تازه‌های کتاب

انتشار برگردانی تازه از جستار ادیب آمریکایی

چگونه با اثر هنری روبه رو شویم؟

پژمان مضطر | «[...] صرفاً با جریان زندگی ای بالا و پایین می شدم که دیگر ایمانی به آن نداشتم، چون زیاد به مرگ نزدیک شده بودم. آن طرفِ روزمرگی را دیده بودم و نمی توانستم حواسم را از این واقعیت پرت کنم که هر چیزی روزی از بین می رود، همه چیزها در گذرند. [...] سوگ از بین نمی رود ـ اتفاقاً برعکس ـ اما رفته رفته همنشین خوشی می شود؛ غصه همراه می شود با بازیافتن چیزهایی در تجربه هایت که باید عزیزشان بداری، آن هم درست وقتی خیال می‌کنی به آخر خط رسیده ای.»

•

مارک دوتی (ت. ۱۹۵۳)، ادیب آمریکایی، بیشتر برای شعرهایش و ـ از همه بیشتر ـ برای «اسکندریه من» (۱۹۹۳) مشهور است. او ـ که در این کار از امثال امیلی دیکنسون و والت ویتمن متأثر است ـ بابت اشعارش به افتخارات و عناوین بسیاری دست پیدا کرده است که از جمله آن ها می شود به جایزه ملی کتاب آمریکا در بخش «شعر» (۲۰۰۸) اشاره کرد. دوتی، همچنین، اولین آمریکایی برنده جایزه بریتانیایی «تی. اس. الیوت» (۱۹۹۵) است. او پنج سالی هم رئیس «انجمن شاعران آمریکا» بوده است.

با این همه، دوتی از نثر هم غافل نبوده و در این عرصه چند اثر غیرداستانی، شامل خاطره نوشت و جستار، پدید آورده است. آخرین آفریده دوتی از این دسته کتابی است به نام «علف چیست؟ والت ویتمن در زندگی من» (۲۰۲۰). اما، از جستارهای او، یکی "Still Life with Oysters and Lemon" (۲۰۰۱) است که به تازگی فارسی آن با عنوان «طبیعت بی جان با صدف ها و لیمو» به بازار کتاب آمده است. (پیش از این هم ترجمه ای از این اثر، به قلم مهدی نصراله زاده، ضمن شماره ۶۰ مجله «حرفه: هنرمند» منتشر شده بود.)

این جستار دوتی روایت عشق و علاقه او به آثار یان داویتس دِهیم (۱۶۰۶- ۱۶۸۴)، نقاش هلندیِ سبکِ باروک، است که بیشتر به تصویرکردن طبیعت بی جانِ توجه داشت. نویسنده، البته، به یکی از نقاشی های این هنرمند در سال ۱۶۴۰ بیشتر جذب شده بود؛ عنوان جستار او هم، اصلا، عنوان همین اثر است که اصل آن امروز در «موزه هنر متروپولیتن» نیویورک قرار دارد. دوتی در این نوشته، با وصف موشکافانه به زبان و بیانی کمابیش شاعرانه، رویارویی با اثر هنری (همچون یک عامل تعلق خاطر به زندگی) را نشان داده است.

•

(از لطف مجموعه «پردیس کتاب» و آقای علی رجب زاده که این کتاب را در اختیار ما گذاشتند سپاسگزاریم.)

صاحب‌خبر

«جای خالی سلوچ» شنیدنی شد

کتاب صوتی «جای خالی سلوچ» به زودی در نرم افزار فیدیبو عرضه خواهد شد. به گزارش خبرگزاری کتاب ایران (ایبنا)، «جای خالی سلوچ» یکی از آثار مهم داستانی معاصر است. محمود دولت آبادی این رمان را در میانه انتشار مجلدهای دوم و سوم کلیدر نوشته است. «جای خالی سلوچ» روایتی از زندگی دردمندانه و پرمشقت زنی به نام مرگان در روستایی دورافتاده و کویری است که تلاش می‌کند جای خالی همسرش سلوچ را پر کند و در کنار جست وجوی او از فرزندانش نیز محافظت کند. نسخه صوتی کتاب «جای خالی سلوچ» توسط گروه تولید نسخه صوتی کتاب کلیدر و با حضور بیش از ۳۰ گوینده تهیه و اجرا شده است. در این اثر نیز آرمان سلطان زاده، روایت و سرپرستی گویندگان را بر عهده دارد. همچنین محمود دولت آبادی به عنوان گوینده افتخاری در این پروژه بزرگ مشارکت دارد.

کتاب صوتی «جای خالی سلوچ» همچون کتاب صوتی کلیدر با فضاسازی های گسترده صوتی که تدوین آن بر عهده سیدزکریا موسوی بوده تهیه شده و به زودی تنها در نرم افزار فیدیبو ارائه خواهد شد.

«جای خالی سلوچ»، رمانی نوشته محمود دولت آبادی است که اولین بار در سال ۱۳۵۷ انتشار یافت. این رمان فوق العاده زیبا و شکوهمند که بدون تردید در زمره مهم ترین آثار در ادبیات مدرن ایران قرار می‌گیرد، به تلاش ها و سختی های بی پایان زنی فقیر به نام مرگان می پردازد که پس از ناپدید شدن ناگهانی و بدون توضیح همسرش سلوچ، به همراه فرزندانش در روستایی دورافتاده در ایران زندگی می‌کنند.

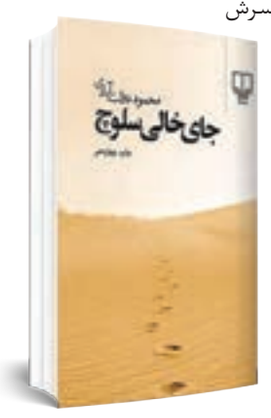

این اثر با نثر شاعرانه و در عین حال بی پرده دولت آبادی، فراز و نشیب های زندگی شخصیتی را روایت می‌کند که مجبور است با تمام توان، با فساد سیاسی، استبداد و فقر موجود در دنیای پیرامون خود دست و پنجه نرم کند.

زین قند پارسی

علیرضا حیدری | مدرس ویراستاری

ناویراسته ✗
شاخص کیفیت هوای تهران در حال حاضر بر روی عدد ۱۰۴ قرار گرفته و هوا برای گروه‌های حساس جامعه آلوده است.

ویراسته ✓
شاخص کیفیت هوای تهران اکنون روی عدد ۱۰۴ قرار گرفته و هوا برای گروه‌های حساس جامعه آلوده است.

نکته
«بر» و «روی» هر دو یک معنا را می‌رسانند و نوشتن هر دو با هم حشو است.

#زین_قند_پارسی

مدخل

با تلخی باید اعتراف کنیم که رواج کتاب و روحیه کتاب خوانی در میان ملت عزیز ما که خود یکی از مشعل داران فرهنگ و کتاب و معرفت در طول تاریخ پس از ظهور اسلام بوده است، بسی کمتر از آن چیزی است که از چنین ملتی انتظار می‌رود.

پیام رهبر معظم انقلاب به مناسبت آغاز هفته کتاب، ۴ دی ۱۳۷۲

معرفی چند کتابخانه دیدنی در دنیا و پیشنهاد چند خانه تاریخی برای راه‌اندازی کتابخانه در مشهد

فرصتی برای ترکیب تاریخ و کتاب

خادم

درنگ

کتابخانه ها هم می توانند جاذبه ای گردشگری باشند. مکانی که اگر معماری، طراحی یا قدمت و تاریخ داشته باشند، علاوه بر کارکرد اصلی شان، می توانند ارزشی افزوده نیز داشته باشند. در دنیا کتابخانه های مختلفی را می شود سراغ گرفت که از نقاط شاخص و ظرفیت های آن شهر هستند و در فهرست بازدید مسافران و گردشگران. در این مطلب ۱۰ کتابخانه تماشایی و خاص در کشورهای مختلف را معرفی می کنیم و در پایان اشاره ای خواهیم داشت به چند مکان تاریخی در مشهد که می توانند گزینه هایی برای راه اندازی کتابخانه ای منحصر به فرد باشند و علاوه بر ویژگی های خاصشان باعث رونق کتاب و کتاب خوانی در شهر شوند.

نمایی از خانه تاریخی داروغه - این خانه می تواند گزینه ای مناسب برای تبدیل شدن به کتابخانه ای جذاب برای اهالی کتاب باشد

۱- کتابخانه جان رایلندز، منچستر

این ساختمان مربوط به اواخر دوره ویکتوریایی در منچسترِ انگلیس است، که قدمت آن به سال ۱۹۰۰ برمی‌گردد. این کتابخانه هنوز برای عموم باز است و همسر جان رایلندز به نام او یاد او این مکان را تأسیس کرده است.

۲- کتابخانه کاخ مافرا، پرتغال

از لیسبون، پایتخت پرتغال تا شهر مافرا با اتوبوس کمتر از یک ساعت راه است. کاخ مافرا، برجسته ترین بنای این شهر بسیار جمع وجور است. این ساختمان وسیع در فهرست یونسکو ثبت شده است و با ورودی ۳ یورو، می توان از بخش های مختلف آن از جمله کتابخانه زیبایش بازدید کرد. ساخت وساز کاخ مافرا توسط خانواده سلطنتی در سال ۱۷۱۷ آغاز شد و در سال ۱۷۵۵ به پایان رسید.

۳- کتابخانه بررا، ایتالیا

ایتالیا و میلان بنای تاریخی کم ندارد، کتابخانه بررا یکی از این مکان هاست. این کتابخانه بخشی از مؤسسه هنر در میلان است و حضور و بازدید و استفاده از آن برای عموم آزاد است. بررا، یکی از بزرگ ترین کتابخانه های ایتالیاست که ترکیب عناصر تاریخی در کنار کامپیوترهای مدرن و دانشجویان فعال سبب شده است نسبت به بسیاری از کتابخانه های تاریخی اروپا احساس سرزندگی بیشتری داشته باشد. معماری چشمگیر ساختمان و حیاط آن به عظمت بنا افزوده است.

۴- کتابخانه کالج ترینیتی، ایرلند

دکور چوبی تیره و قفسه هایی که روی هم چیده شده اند، کتابخانه دانشگاه دوبلین و بزرگ ترین کتابخانه ایرلند را به یکی از جالب ترین ساختمان هایی تبدیل کرده است که می توان آن را دید. بنای قرن هجدهمی این کتابخانه از زیباترین بناهای تاریخی اروپاست.

۵- کلمنتینوم، پراگ، جمهوری چک

کلمنتینوم یکی از بزرگ ترین مجتمع های ساختمانی در اروپاست و کتابخانه باروک خود را «زیباترین کتابخانه جهان» معرفی می کند و ممکن است درست باشد. سقف این ساختمان یک شاهکار واقعی است.

۶- کتابخانه یوسوهارا، کوچی، ژاپن

طراح این کتابخانه همان کسی است که استادیوم المپیک ۲۰۲۰ توکیو، کنگو کوما را طراحی کرده است. این کتابخانه زیبا که در روستای زیبای یوسوهارا واقع شده، مکانی گرم و باز است، با تیرهای چوبی درهم که از سقف فوران می کند.

۷- کتابخانه جوانینا، کویمبرا، پرتغال

ساخت این ساختمان بزرگ در سال ۱۷۲۸ به پایان رسید و کتابخانه سه طبقه هم بخشی از دانشگاه کویمبرا در مرکز پرتغال است. قفسه های بلند چوبی تیره که با درهای طلایی تزیین شده اتاق اصلی را بسیار جذاب می کنند.

۸- کتابخانه عمومی، نیویورک

یکی از معروف ترین کتابخانه های جهان، کتابخانه عمومی نیویورک است که میزبان سمینارها و سخنرانی های مختلف است. بیش از ۵۰ میلیون کتاب، از قدیمی تا امروزی در این کتابخانه وجود دارد. این مجموعه دوست داشتنی که بیش از ۱۵۰ سال پیش ساخته شده است، آرامشی در میان هیاهوی شهر نیویورک فراهم می‌کند.

۹- کارولینا ردیویوا، اوپسالا، سوئد

این ساختمان بزرگ که سال ۱۸۴۱ ساخته شده، جواهری است که با قفسه های سفید و لوسترها آراسته شده است. در سالن اصلی که حدود ۵ میلیون کتاب را در خود جای داده است، از رنگ های روشن و تحسین برانگیز استفاده شده است که با دیدنش غافلگیر خواهید شد. این مجموعه دارای «انجیل نقره ای»، مجموعه ای از دست نوشته ها و نقشه های کمیاب قرن ششمی است که برای بازدیدکنندگان این بخش از اوپسالا جذاب و هیجان انگیز است.

۱۰- کتابخانه کالج لینکلن، آکسفورد، انگلستان

این ساختمان یک کلیسای قدیمی است که به کتابخانه کالج لینکلن در آکسفورد تبدیل شده و اکنون یک فضای آموزشی زیبا در دانشگاه است. این کلیسای قرن هجدهمی در سال ۱۹۷۵ به عنوان یک کتابخانه بازگشایی شد، اما عظمت سابق خود را حفظ کرده است.

پیشنهاد چند مکان تاریخی برای احداث کتابخانه در مشهد

هر چند بخش عظیمی از بافت تاریخی مشهد را نابود کرده اند و خانه های تاریخی باارزشی را ویران، اما هنوز تعدادی خانه تاریخی باقی مانده اند که می شود از آن ها برای ساخت کتابخانه استفاده کرد. این کار هم به حفظ و مرمت و زنده نگاه داشتن این بناها کمک می‌کند، هم به رونق آن ها، هم به مکان های فرهنگی این شهر می افزاید و هم جاذبه ای گردشگری خواهد بود. برای نمونه می توان به موارد زیر اشاره کرد:

خانه سالاری واقع در پشت باغ نادری
خانه دختر ملک در خیابان آخوند خراسانی
خانه ساختیان چی در خیابان جنت
خانه پرفسور شاملو در تقاطع خیابان اسرار
خانه اردکانی (دولابیان) در بولوار وحدت
خانه داوودی در خیابان توحید
خانه فرخ در خیابان چمران

و نمونه های بسیار دیگر از خانه های تاریخی مشهد که اکنون یا در حال ویرانی اند یا در انتظار تعیین تکلیف!

چند نما از معدود خانه های تاریخی باقی مانده در مشهد که هر کدام در نوع خود می تواند ظرفیتی برای تبدیل شدن به کتابخانه یا پاتوق های کتاب باشند

میراث خراسان

یقین دِرَم اثر امشو به های های مو نیست
که یار مسته و گوشِش به گریه های مو نیست

خدا خدا چه ثِمَر ای مؤذنا کِامشو
خدا خدای شمایه خدا خدای مو نیست

نمود خو نمه پامال و خون بهامه نداد
زدم چو بر دَمَنش دست گفت پای مو نیست

بریز خونمه با دست نازنین خودت
چرَه که بِیتر از ای هیچّه خون بهای مو نیست

بهار اگر شُوه صد بار بمیرُم از غم دوست
به جرم عشق و محبت هنوز جزای مو نیست

***

زلفایْ قجریژ درهم و بشُکسته مکن واز
درهای سِلامت رِه به روم بسته مکن واز

گر مارِه مِخی ها نِمِخی نِه دو کلیمه
ای بار مو رِه مثل همه بار خسته مکن واز

یار اینجیه امشو مَخَن آوازه مؤذن
تام خادم مجِّد در گلدسته مکن واز

از زلف کُتا ابروی پیوسته شو و روز
عمرم رِه کُتا رنجمه پیوسته مکن واز

محمدتقی بهار

مرور کتاب «مدایح رضوی و چند شعر دیگر به لهجه مشهدی»

یوسف ازغدی، گنجور لغات زِقّ خراسانی

شریف شیرزاد

مرور کتاب

از گذشته تا به امروز، بسیاری از شاعران بزرگ فارسی زبان به لهجه خودشان هم شعر سروده اند. از این دسته ـ از قدما ـ سعدی را می شود ذکر کرد و ـ از معاصران ـ ملک الشعرا بهار را. این دو، به ترتیب، سروده هایی در لهجه های شیرازی و مشهدی دارند که به نظر اهل فن، گاه، به اشعار رسمی شان پهلو می زنند. یکی دیگر از این گویندگان هم محمد قهرمان (۱۳۰۸-۱۳۹۲) است که به لهجه دیار خود، یعنی تربتی، سروده های دلچسبی دارد. قهرمان، خوشبختانه، به گویش های دیگر خراسان، از جمله مشهدی، هم التفات داشت و به کسانی که در راه پاسداشت آن قدم می‌گذاشتند و برمی داشتند یاری می رساند. یکی از این کسان یوسف ازغدی بود که به همت قهرمان امروز مقدار چشمگیری از سروده های او به لهجه مشهدی در دسترس است. ازغدی (حدود ۱۲۹۷-۸ خرداد ۱۳۷۶) که از ۶-۷ سالگی متوجه سرودن شعر شده بود، بعدها، به محفل ادیب و شاعر نامی مشهد، سیدمحمود فرخ خراسانی (۱۲۷۴-۱۳۶۰)، راه پیدا کرد. سخنور پیشکسوت که سروده های رسمی و محلی شاعر جوان را شنید و به تسلط ازغدی بر ظرایف لهجه مشهدی پی برد، به او توصیه کرد با جدیت پی سرودن در این لهجه را بگیرد. این طور بود که ازغدی در این راه افتاد و آن را مردانه پیمود و البته به جاهای خوبی هم رسید، چندان که قهرمان در وصف او نوشته که «در لهجه مشهدی، شاعری به توانایی او کم داشته ایم» و کلام او را «گنجینه ای از لغات اصیل و ـ به اصطلاح ـ زِقّ خراسانی» خوانده است که «اکثر آن ها در حال فراموش شدن هستند یا به کلی از یادها رفته اند».

قهرمان این جملات و تعبیرات را از سر اعتقاد و صادقانه نوشته است؛ بهترین گواهش همان مجموعه ای که پیش تر از آن یاد کردم. کتاب «مدایح رضوی و چند شعر دیگر به لهجه مشهدی» دفتری از سروده های رسمی و غیررسمی و جِد و طنز ازغدی است که قهرمان آن را تدوین کرده است. ادیب تربتی اشعار گوینده مشهدی را، به خواهش او و البته به میل خود، به دقت ثبت وضبط کرده و یک «فهرست لغات و اصطلاحات و ترکیبات و تعبیرات» هم به آن ها افزوده است. حسب حال ازغدی از زبان خود او هم چاشنی این کار است که در مطبوع ترشدن آن مؤثر افتاده است. این مجموعه مغتنم را «به نشر» (انتشارات آستان قدس رضوی) یک بار سال ۱۳۸۴ و یک بار ـ در صورتی تازه ـ سال ۱۴۰۱ چاپ و منتشر کرده است.

از آنجا که خواندن اشعار محلی ازغدی به سادگی میسر نیست و، برای بسیاری، تنها با مشکول کردن و نشانه گذاریِ حداکثریِ کلمات و ابیات ممکن می شود، و متأسفانه در این قالب این کارها شدنی نمی نمایند، یکی از سروده های آسان تر او را اینجا می آورم که علاقه مندان بیشتری محظوظ شوند: «مرغ ازبوم پریده ره ممنه/ گل سرخ نچیده ره ممنه// تا میه زود مگم مبارک باد/ قدم نورسیده ره ممنه// روشنی رفته بود از چیشام/ یار ما نور دیده ره ممنه// قر و ناز و ادا مریزه از او/ نوبه عرصه رسیده ره ممنه// بچه آهوی خوش خط وخاله/ ازجماعت رمیده ره ممنه// ازلب بوم به وخت کلّه کشَک/ آفتاب دمیده ره ممنه/ شوم تاریک اگر نگاش بکنی/ ازپشانوش سپیده ره ممنه// تا موره دید زد مینِ حولی/ کبک آغل خزیده ره ممنه// یوسف از زور عاشقی پیشش/ غلم زرخریده ره ممنه».